

چالش سند چشم‌انداز بیست‌ساله

چالش‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و الگوی مناسب مدیریتی برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران

چکیده

سند چشم‌انداز بیست ساله که تصویری آرمانی از آینده است. انگشت اشاره و مسیر ترسیمی انرژی دهنده به تلاش‌های مرحله‌ای برای تحقق آمل و آرزوهای ملت طی 20 سال آینده است.

چشم‌انداز، تصور و تجسم آینده‌ای قابل پیش‌بینی است که در اصل، تصویر مطلوب و ذهنی و مورد علاقه نظام جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود و باید وجهه عینی، عملی، واقعی و معتبر بیابد و در قالب برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور جامه واقعیت ببوشد. برای عبور از دوره گذار و رسیدن به «شرایط مطلوب و معهود» همه ارکان، دستگاه‌ها و سازمان‌ها نیازمند شناسایی گام‌های بعدی برای حرکت به سوی تعالی و آماده‌سازی ساز و کار و زیربسترهای حرکت هستند. حرکت به سمت اهداف چشم‌انداز توسعه کشور نیازمند عزم ملی، آماده‌سازی فکر و ذهن جامعه، فراهم آوری سازمان‌ها و بنگاه‌های کارآمد، تشکیل تیم‌های کاری و تقویت نیرو، توان و انرژی فرد فرد و آحاد جامعه است پیمایش مسیر عقلایی برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز، نیازمند بکارگیری توان (دانش، تجربه و مهارت) و ایجاد تمایل (اعتماد به نفس، انگیزش و امید) در ارکان کشور، بسیج منابع و بکارگیری فناوری و تجهیزات فنی است.

کلید واژه:

چشم انداز، آرمان، عقلانیت ابزاری، عقلانیت ارزشی، رویکرد تعاملی، مدیریت استراتژیک، نظام جامع توسعه، مدل برنامه ریزی فرایندی. مقدمه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران سندی است که در برگزیده اهداف جمهوری اسلامی طی بیست سال آینده، چالش‌های احتمالی، فرصت‌های پیش رو و شایستگی‌های پایه‌ای نظام تلقی می‌گردد. چشم‌انداز که تصویری آرمانی از آینده است، انگشت اشاره و مسیر ترسیمی انرژی دهنده به تلاش‌های مرحله‌ای برای تحقق آمل و آرزوهای ملت طی 20 سال آینده است.

چشم‌انداز، تصور و تجسم آینده‌ای قابل پیش‌بینی است که در اصل، تصویر مطلوب و ذهنی و مورد علاقه نظام جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود و باید وجهه عینی، عملی، واقعی و معتبر بیابد و در قالب برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور جامه واقعیت ببوشد. برای عبور از دوره گذار و رسیدن به «شرایط مطلوب و معهود» همه ارکان، دستگاه‌ها و سازمان‌ها نیازمند شناسایی گام‌های بعدی برای حرکت به سوی تعالی و آماده‌سازی ساز و کار و زیربسترهای حرکت هستند. حرکت به سمت اهداف چشم‌انداز توسعه کشور نیازمند عزم ملی، آماده‌سازی فکر و ذهن جامعه، فراهم آوری سازمان‌ها و بنگاه‌های کارآمد، تشکیل تیم‌های کاری و تقویت نیرو، توان و انرژی فرد فرد و آحاد جامعه است.

از سوی دیگر، بکارگیری منابع موجود در مسیر چشم‌انداز آرمانی کشور در گرو عقلانیت و برنامه‌ریزی عقلانی برای پیمودن این راه پرفراز و نشیب است. پیمایش مسیر عقلایی برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز، نیازمند بکارگیری توان (دانش، تجربه و مهارت) و ایجاد تمایل (اعتماد به نفس، انگیزش و امید) در ارکان کشور، بسیج منابع و بکارگیری فناوری و تجهیزات فنی است. مدیران عالی سازمان‌ها برای عبور از تهدیدها و فراهم آوری فرصت‌های نو باید رسالت هر بخش و سازمان که همانا علت اصلی و مقصد نهایی و قطعی هر بخش و سازمان است را مشخص نمایند. اگر رسالت و مأموریت هر بخش تعیین گردد، در اصل اولویت‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و سیاست‌ها هم در همان مسیر تعیین خواهد شد. اما مهم این است که امروز دیگر دستگاه‌ها و مجموعه‌ها نمی‌توانند نگاهی صرفاً آرمانی داشته باشند و باید با آماده‌سازی تمامی سازوکارها، چشم‌انداز ملی کشور به چشم‌اندازهای سازمانی و شخصی متصل کرد تا که در قالب یک حرکت جمعی مفهوم گردد. مشخص کردن چشم‌انداز در اندازه‌های بخش و دستگاه و سازمان به شکل کاملاً روشنی به فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و خواسته‌های فرد و سازمان، بستگی دارد. ارزش‌ها و باورهای اساسی آنچه را که درست و یا نادرست، مهم یا بی‌ارزش، زشت یا زیبا هستند تعریف می‌کنند و تصمیم‌ها، رفتارها و الگوهای افراد تحت تأثیر این ارزش‌ها و فرهنگ برخاسته از آن شکل می‌گیرند. بر این اساس بخشی از توان و نیروی «مدیریت چشم‌انداز» باید صرف

هماهنگ ساختن راهبردها با فرهنگ عمومی و سازمانی بشود. چشم‌انداز و زیرساخت‌های آن نظیر مأموریت‌ها، اهداف، استراتژی‌ها، مقاصد، برنامه‌ها و سیاست‌ها در قالب محیط‌های گوناگون از فرهنگ، سیاست، اقتصاد، گروه‌ها، نخبگان و دولت تأثیری می‌پذیرند. به مفهوم روشن‌تر، تا آرمان‌های بلند در بافت‌ها و قالب‌های سازمانی، عملیاتی، کمی و قابل اندازه‌گیری شکل دهی نشود، حرکت به سوی چشم‌انداز و تسخیر قله‌های معهود شکوه و عظمت ممکن نمی‌نماید. حرکت از آرمان‌گرایی به عنوان اساس و پایه زندگی، به سمت عقلانیت و واقع‌گرایی، به عنوان ساز و کار تحقق آرمان‌ها و اهداف چشم‌انداز 20 ساله جمهوری اسلامی، نقطه‌کانونی چالش‌های تحقق این سند خواهد بود. چشم‌انداز تحت تأثیر آرمان‌ها و ارزش‌ها فرصت‌ها و تهدیدها و واقعیت‌های محیطی

است که در قالب برنامه‌ریزی متکی بر تجارب داخلی و خارجی شکل می‌گیرد. بدیهی است حرکت در این مسیر با چالش‌ها و مشکلاتی روبروست که «مدیریت کشور» باید با «مدیریت چالش‌ها» تمامی دستگاه‌های کشور را به صورتی هماهنگ در مسیر چشم‌انداز سازمان دهد. بنابراین، چشم‌انداز باید راهنمای «مدیریت چالش‌ها» باشد تا تهدیدها را به فرصت تبدیل کند، به ویژه آنکه محیط منطقه‌ای ایران آکنده از رقابت، توسعه بازارها، گسترش تجارت و رواج فناوری‌های روز است. شرط اصلی و اساسی رسیدن به اهداف چشم‌انداز، انتخاب فرآیند مناسب برای توسعه اقتصادی-اجتماعی با رویکردی همه‌جانبه و بلندمدت و راهبردی است. این امر نیازمند تشخیص و تفهیم شرایط نوین جهانی و روابط امروزین بین‌المللی است. اگر این شناخت و ادراک نباشد، تشخیص دگرگونی‌ها در ترکیب و روند مناسبات سیاسی-اقتصادی جهان و نیز رخدادهای منطقه سخت‌تر شده و نمی‌توان با عبور از تنگناهای ملی زمینه رشد و توسعه را هموار کرد.

منابع طبیعی و انسانی سرشار ایران، کشور را در مسیر رشد و توسعه در معرض انتخاب‌ها و گزینه‌های گوناگونی قرار می‌دهد که هر یک از گزینه‌ها به طور طبیعی چالش‌های متفاوتی را هم در بردارد.

بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای احتمالی موجود در این چالش‌ها در گرو الزامات پیاده‌سازی سند و اتخاذ راهبردهای معینی است که بتواند اقتصاد و جامعه ایران را در مسیری روشن و هموار و در راستای تحقق اهداف آرمانی چشم‌انداز به پیش ببرد. این مسیر، نیازمند توسعه پایدار ملی با رویکرد تعاملی در جهان است. این مهم در قالب برنامه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی به توانمندسازی کشور، دستگاه‌ها و سازمان‌ها خواهد پرداخت تا «دوران گذار» و عبور از شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب به آزمون گذارده شود. عبور از شرایط موجود و حرکت به سوی وضعیت مطلوب نیازمند ساخت و اجرای «استراتژی مناسب» است. این استراتژی در گرو شناخت «وضع موجود» و تعیین اهداف و مأموریت‌ها و بررسی محیط داخلی و خارجی است. در چنین وضعیتی بر اساس مدل زیر عوامل استراتژیکی خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و نیز عوامل راهبردی داخلی (نقاط قوت و ضعف دستگاه‌ها) بخوبی شناسایی شده و به شکل هماهنگ و متوازن مأموریت‌ها، اهداف و استراتژی دستگاه‌ها تعیین و با استراتژی نوین از «وضعیت فعلی» به سوی «وضعیت آتی» حرکت خواهند کرد.

کشور برای آمادگی جهت «گذار از وضعیت موجود» و رسیدن به «وضعیت مطلوب و معهود» که همانا شرایط تحقق سند چشم‌انداز 20ساله است. نیازمند «تغییر سازمانی» و دگرگون‌سازی در تمامی ابعاد است تا مرحله گذار را برای تحصیل «وضعیت آینده» طی نماید.

وضع موجود:

شرایط ایران امروز اقتضای رشد و توسعه در خود را ندارد و ساختار نه‌چندان کارآمد دولتی، عدم امکان جذب سرمایه‌های بین‌المللی، غیرقابل رقابت بودن اقتصاد داخلی و وجود انحصارات دولتی، شرایط مناسبی برای تحولات اجتماعی، فرهنگی در راستای ارتقاء کیفیت زندگی، رفع فقر و حمایت از گروه‌ها و قشرهای آسیب‌پذیر برای تحقق عدالت اجتماعی را فراهم نمی‌آورد. بنابراین شرایط مناسبی برای افزایش بهره‌وری و تحقق رقابت‌پذیری در اقتصاد، صنعت و کشاورزی کشور وجود ندارد و اقتصاد یارانه‌ای و دولتی، رقیبی برای اقتصاد مولد، پویا و کارآفرین با قابلیت‌های مشارکت و فعالیت‌های رقابت‌پذیر است. این مدیریت که مدیریت مبتنی بر منابع طبیعی است، در برابر فعالیت‌های نوآورانه و ظرفیت‌های جدی و کارآفرین مقاومت کرده و آنان را در تنگناهای بوروکراسی اداری خسته و فرسوده می‌سازد.

تداوم وضع موجود، با وجود رقابت‌های بسیار سنگین در منطقه و رشد پیوسته و پایدار سایر قدرت‌ها و کشورها و ملل منطقه، ثبات داخلی، امنیت و اقتدار ملی را دچار مشکل کرده و تحقق عدالت اجتماعی و توسعه اجتماعی را دور و ناممکن می‌نمایاند. ادارک و فهم شرایط نوین بین‌المللی برای حرکت از وضع موجود به سمت «دوران گذار» با هدف رسیدن به «شرایط آرمانی و مطلوب»، «نیازمند رویکردی راهبردی با شناخت دگرگونیها و روند تحولات جهانی» است. این شناخت، صاحبان اندیشه، نخبگان داخلی و فن‌ورزان رشته‌های مختلف را در مسیری قرار می‌دهد که در ترکیبی موزون و مناسب با دولت و حاکمیت سیاسی، مهم‌ترین مسایل و تنگناهای اقتصاد ملی را شناسایی کرده و با انجام اصلاحات مدیریتی و فنی و در تعاملی مؤثر و سازنده در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، کاروان رشد منطقه‌ای را در سرزمین ایران نیز به حرکت درآورد. مهم‌ترین محورهایی که برای خروج از وضع موجود باید مدنظر قرار گیرد و چالش‌های چشم‌انداز هم در همین رابطه شکل می‌گیرد عبارتند از:

1. رقابتی کردن استراتژی اقتصادی 2. تدوین برنامه رشد تدریجی در مسیر توسعه پایدار
3. فراهم آوری شرایط امنیت برای سرمایه‌های اجتماعی، معنوی و نیز سرمایه‌های مادی

4. توسعه مبتنی بر دانش و دانایی محوری 5. تعامل سازنده و مؤثر با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
6. الگو سازی داخلی بر مبنای توسعه فرهنگی و امنیت اجتماعی 7. اصلاح ساختار دولتی و کم کردن شرایط دخالت دولت در تصدی‌گری‌ها 8. محوری ساختن امر آموزش و بهسازی نیروی انسانی
9. اصلاح قوانین و مقررات و استانداردهای مقرر و رویه‌های جاری 10. ایجاد شرایط مناسب برای امنیت سرمایه‌گذاری و تضمین سود سرمایه فراهم آوری شرایط تلفیقی و الگوی ترکیبی برای بهره‌گیری از « عقلانیت ابزاری سود محور » و منفعت‌گرای امروزین جهان که در قالب « واقع‌گرایی » و نظم و انضباط نوین رخ نموده است با « عقلانیت ارزشی » و اخلاقی بومی که برخاسته از مفاهیم اساسی، باورها، ارزش‌ها و جهان بینی مکتبی و آموزه‌های ملی و مسلکی است و در قالب « آرمان‌گرایی » تجلی می‌نماید ، می‌تواند الگوی تلفیقی و نوینی را برای مدل برنامه‌ریزی ایران فراهم آورد که متناسب با شرایط «دوران گذار» باشد. « دوران گذار » در اصل 4 گام 5 ساله برای توانمندسازی کشور ، دستگاه‌ها و سازمان‌ها خواهد بود تا آمادگی ورود به وضع مطلوب را کسب نمایند . این دوران ، دست و پنجه نرم کردن با چالش‌ها و مرحله ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار و رفتار دستگاهها و سازمان‌ها است. چالش‌های این مرحله می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی پیش روی کشور قرار دهد و دوران آمادگی و توانمندسازی را همانند «کارگاه آموزشی» برای سراسر کشور مفید و قابل آموزش بسازد.
این چالش‌ها کدام هستند؟

مهمترین چالش‌های سند چشم‌انداز 20 ساله کشور عبارتند از: 1. چالش جهانی شدن و جهانی سازی
2. چالش اقتدار و دموکراسی (مردم سالاری دینی) 3. چالش انقلابی‌گری و نظام‌مندی
4. چالش جمهوریت و اسلامیت 5. چالش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی (چالش عقلانیت رآل و عقلانیت ایده‌آل)
6. چالش مدیریت نوین و مدیریت سنتی (نگاه نظام‌مند و نگاه مکانیکی) 7. چالش رقابت و همکاری در منطقه راهکارها با توجه به تلاطم‌های محیطی ، توسعه علوم و فناوری ، دگرگونی‌های فن شناختی و تأثیر آنها بر نظام و دستگاه‌های مسوول کشور ، نخستین قدم، تبیین مبانی نظری مشترک و ادبیات متفاهم در حوزه‌های راهبردی ، پشتیبانی و اجرایی است. قدم‌بعدي در این مسیر تبیین شاخص‌ها و شناسایی مزیت‌های نسبی کشور و قابلیت‌های دستگاه‌های اجرایی است. گام سوم ، ساماندهی و طراحی ساختارها خواهد بود. گام چهارم ، تقسیم کار ملی میان بخش‌ها ، با توجه به سیاست‌ها و برنامه‌ها است.
گام پنجم ، طراحی يك سیستم نرم‌افزاری که بتوان قابلیت‌ها و نیازها را در يك شبکه ملی به صورت روزآمد نگهداری کرده و مورد استفاده قرار داد. این حرکت سراسری و ملی نیازمند طراحی مدلی است که الگوی مناسبی برای «یکپارچه سازی مدیریت استراتژیک» در دنبال نمودن اهداف سند باشد.

در این راستا بهره‌گیری از « مدل برنامه‌ریزی فرآیندی » ، متناسب با مأموریت‌های اصلی دستگاه‌های کشور ، استفاده از مدل « کنترل کلاسیک » به منظور شناخت جامع از ساختارمندی و سطح‌مندی مؤلفه‌های درونی مدل و روشن سازی ارتباطات میان اجزاء و برای تعیین شاخص‌ها و ارایه روشن مؤلفه‌ها و الزامات (Benchmarking) استفاده از مطالعات تطبیقی براساس الگوی مبنا (چشم‌انداز 20ساله توصیه می‌گردد. بدیهی است بهره‌گیری از « دانش مدیریت راهبردی » برای شناخت وضعیت موجود، طراحی ساختار کلان نظام توسعه و تعیین راهبردها و رویکردها و برنامه‌های عملیاتی و اجرایی می‌تواند بسیار مؤثر و کارساز باشد. این حرکت سراسری نیازمند سیستم‌های پشتیبانی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ساختار ، وظایف و اختیارات حوزه راهبردی ، اولویت‌ها ، جهت‌گیری‌های کلی نظام و باید و نبایدها و خط‌مشی‌های اصولی است. بر این مبنا ، راهکار اصلی ، استفاده تلفیقی از روش‌های کنترل کلاسیک، نگرش و مدیریت راهبردی و الگوی مبنا و توسعه فرآیندها و مدیریت دانش می‌باشد.

نگرش مدیریت راهبردی

امروزه تمامی نظام‌ها تحت تأثیر شدید تغییرات محیطی هستند و هر گونه تحول در نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین تحولات فناوری و تغییر در ابزارها و روشها به سرعت سیستم‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از اندیشمندان معتقدند که دولتها از دهه 90 به بعد، بدون توجه به مسائل راهبردی قادر به ادامه حیات و اجرایی رسالت و مسوولیت‌های خویش نبوده‌اند و کسانی که به این مهم توجه نکرده‌اند از قافله عقب مانده‌اند. استفاده از روش « مدیریت راهبردی » در مدل به ما کمک می‌کند تا با استفاده از تکنیک‌های شناخت راهبردی، نقاط قوت و ضعف درون نظام و هم چنین فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی آن را در چهارچوب مؤلفه‌های مدل در شرایط موجود و مطلوب شناسایی کرده و سپس با بررسی و تبیین وضعیت راهبردی موجود ، راهکارهای برون‌رفت از آن را از طریق تعیین اولویت‌ها و ارایه چشم‌انداز مناسب، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی مشخص کنیم. مطالعه تطبیقی براساس الگوهای مبنا

از دهه 1980 کشور‌های در حال توسعه، سیاست‌گذاری‌های ملی خود را در قبال توسعه با توجه به تحولات فناوری‌های جدید آغاز

کردند. استفاده از تجربیات نظری و عملی آنها راهنمای خوبی جهت انتخاب راهکارهای بهینه متناسب با بوم کشور ما محسوب می‌گردد و به عنوان یک فرصت، ما را از رفتن به مسیرهای نادرست و اتلاف منابع بازداشته و به انتخاب راهکارهای صحیح و میان‌بر رهنمون می‌سازد.

روش مطالعه تطبیقی و استفاده از الگوی مبنا در مدل تلفیقی به عنوان تجربیات عملی و نظری کشورهای جهان، مبنای استخراج مؤلفه‌ها و اصول و مبانی حاکم بر نظام جامع مدیریت استراتژیک تحقق اهداف سند می‌باشد. از سوی دیگر، این تجربیات جهانی ما را در دستیابی به چشم‌انداز توسعه متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمک خواهد کرد. توسعه فرآیندها کشورها، سازمان‌ها و دستگاه‌ها برای بقاء در جهان امروز، باید ضمن قرار گرفتن در مسیر تلاطم‌های محیطی، در وضعیت خود بازاندیشی کرده و فعالیت‌های خود را بر محور «فرآیندها» مورد سازماندهی مجدد قرار دهند. یعنی هر سیستمی برای حفظ بقاء و سازگاری با تلاطم‌های محیطی دائماً باید به توانمندسازی و انسجام درونی پرداخته و ساختار و رفتارهای خود را متناسب با شرایط محیطی و نیازمندی‌های مردم خود تنظیم نمایند. کاربرد روش توسعه فرآیندها در مدل، چگونگی اخذ اطلاعات لازم از محیط و پالایش آنها و انتقال اطلاعات مناسب در سراسر کشور را متناسب با سطوح و اصول و مبانی حاکم و شناخت وضع موجود و وضع مطلوب مورد بررسی قرار داده و با تجزیه و تحلیل منطقی اطلاعات، توانمندسازی و انسجام‌دهی درونی را جهت دگرگونی در تغییر فرآیندها و رفتارهای مورد نیاز فراهم می‌آورد. این عامل باعث حساس شدن مجموعه سیستم نسبت به شناخت چشم‌انداز آینده و بازاندیشی و تجدید نظر در راهبردها، اهداف و اولویت‌های آینده در حین اجرای برنامه‌ها می‌گردد و کشور را با راهبردی منطقی از وضع موجود به سمت وضع مطلوب رهنمون می‌سازد. بر اساس الگو و مدل پیشنهادی، به نظر می‌رسد که شورایی در سطح ملی به عنوان «شورای راهبردی نظام جامع مدیریت استراتژیک تحقق اهداف سند» در چارچوب ساختار مجمع تشخیص مصلحت نظام ضروری می‌باشد.

وظیفه این شورا سیاستگذاری کلان و نظارت بر کلیات تدوین طرح اجرایی و تصویب موارد پیشنهادی از سوی دستگاه‌های اجرایی است. این شورا می‌تواند کمیته‌های اجرایی یا (شورایی اجرایی) برای هماهنگ کردن فعالیت‌های کمیته‌های تخصصی و نظارت بر اجرای طرح‌ها در دستگاه‌ها داشته باشد و به شکل دبیرخانه‌های فعال و پویا وظیفه ایجاد هماهنگی‌های لازم جهت تحقق الزامات اجرایی سند چشم‌انداز را پی بگیرد. به زبان دیگر این شورا «مدیریت عالی دوران گذار» به حساب می‌آید که در قالب بخش‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، وظیفه برنامه‌ریزی سازماندهی، بسیج منابع، کنترل و نظارت و هدایت و رهبری را بعهده داشته و دولت و دستگاه اجرایی کشور هم مسئولیت شورای اجرایی (کمیته اجرایی) و نظارت بر کمیته‌های تخصصی را عهده‌دار خواهد بود. فریدون وردی نژاد منابع و مأخذ:

1. Scott, G. William & Mitchell, R. Terence 1972, " Organization Theory " A structural and Behavioral Analysis , 2 ed Irwin , Inc .
2. Richard , I Daft , Management . 2001.

منابع فارسی:

1. سند چشم‌انداز توسعه 20 ساله جمهوری اسلامی ایران ، ایران 1404 ، مصوب 1382 .
2. پیتز سنج ، پنج فرمان ، ترجمه حافظ کمان هدایت و محمد روشن ، چاپ دوم ، سازمان مدیریت صنعتی ، 1377 . 3. سند راهبردی نظام جامع توسعه علوم ، تحقیقات و فناوری ، آذرماه 1381 .
4. سند تفصیلی « نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور ، مصوب 1382/6/9 هیأت وزیران .